

درس نهم

«وعدۀ عالی»

پیدایش ۳

سلام بر شما شنوندگان عزیز، در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید و تا ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه می‌توانیم باری دیگر برنامه طریق عدالت، را به شما تقدیم کنیم.

در جلسه گذشته، دیدیم که آدم و حوا با خوردن میوه‌ای که خدا آن را منع کرده بود از طریق الاهی دور شدند. بنابراین، انسانی که خدا آن را به شباهت خود آفریده بود، پیروی از شیطان، دشمن خدا را انتخاب کرد. قبل از آنکه، آدم و حوا مرتکب گناه شوند، هر گاه که خدا وارد باغ می‌شد و با آنها صحبت می‌کرد، خوشحال می‌شدند. اما اکنون، با شنیدن صدای خدا، می‌ترسیدند و احساس شرمندگی کرده، سعی می‌کردند خود را در میان درختان، از نظر خدا مخفی کنند! اما خدا به دنبال آدم و حوا گشت، با آنها صحبت کرد و پیامد گناه آنها به جهان را اعلام کرد: گناه باعث اندوه و غم، دردسر و نگرانی، و نیز بیماری و در انتها مرگ.

در نتیجه، از آن روز تا به حال، سایه مرگ بر فرزندان انسان می‌باشد. همه فرزندان آدم در گناه آستن شده و با طبیعتی گناه‌آلود به دنیا آمده‌اند. چه بخواهیم و چه نخواهیم، همه ما شریک در ذات جد خود، آدم هستیم. «نهال تلخ نگردد به تربیت شیرین.» به خاطر گناه آدم، همه ما گناهکار به دنیا آمده‌ایم. در حقیقت: «مرضی که مُسری باشد، جلویش را نمی‌توان گرفت!» همانگونه که گناه آدم موجب جدایی او از خدا شد، به همین شکل هم گناه ما باعث جدایی ما از خدا گردید. کتاب مقدس می‌گوید:

«لہذا ہمچنان کہ بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و بہ گناه موت؛ و بہ اینگونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا کہ همه گناه کردند.» (رومیان ۱۲:۵) «همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» (رومیان ۲۳:۳) «لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناہان شما روی او را از شما پوشانیدہ است.» (اشعیا ۲:۵۹)

این پیغام اصلاً خوشایند نیست، اما حقیقت این است و حقیقت تلخ است.

بنابراین دیدیم که چگونه یک گناه آدم، باعث جدایی همه بشر از خدا گردید. روزی که آدم از خدا سرپیچی کرد آدم (و تمام انسانهایی که تاکنون به دنیا آمده‌اند) پادشاهی نور را ترک کرده و وارد پادشاهی تاریکی شدند. شراکت در پادشاهی خداوند برای آنها چندان طولانی نبود. آنها به خاطر گناہشان دیگر سر و کارشان با

شیطان بود، کسی که آنها را برده و اسیر خود ساخته بود. اکنون، دیگر هیچ امیدی در زندگی نداشتند جز بردگی گناه و ترس از مرگ و مجازات بی‌پایان در آتش ابدی!

اگر کلام خدا به همین جا ختم می‌شد، تنها کاری که می‌توانستیم انجام دهیم این بود که کتاب را ببندیم و همچون گمشدگان در دریا بدون هیچ امیدی، اشک می‌ریختیم. اگر خدا راه نجاتی برای رهانیدن فرزندان آدم باز نمی‌کرد، ما برای همیشه محکوم به نابودی بودیم! اما متبارک باد خداوند، خدای ما، نوشته‌های انبیاء با داستان گناه آدم، خاتمه نمی‌یابد. خدا، خدایی که رحمتش بی‌کران است، در نجات را به روی فرزندان آدم گشود! بنابراین کلام خدا می‌گوید:

«لکن جایی که گناه زیاده گشت، فیض بی‌نهایت افزون گردید.» (رومیان ۲۰:۵) «مترسید، زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم که برای جمیع قوم خواهد بود.» (لوقا ۱۰:۲) «زیرا که فیض خدا که برای همه مردم نجات‌بخش است، ظاهر شده.» (تیطس ۲:۱۱)

همانطور که قبلاً آموختیم، خدا مقدس است و باید گناهکاران را داوری کند. خدا عادل است و به هیچ وجه نمی‌تواند گناه را فراموش کند. او هر گناهی را مجازات می‌کند. مجازات گناه، مرگ و جدایی از خداست. خدا هرگز تغییر نمی‌کند و مجازات گناه نیز تغییر نمی‌کند. اما امروز خواهیم خواند که خدای مقدس، چگونه نقشه‌ای طراحی کرد، که طبق آن، گناهکاران از مجازات گناه نجات پیدا کنند. بنابراین، خواهیم فهمید که خدا نه تنها قدوس است بلکه او بخشنده نیز است! خدا، داور ما، می‌خواهد نجات دهنده ما باشد!

امروز خواهیم دید که چگونه خدا در روزی که آدم و حوا مرتکب گناه شدند، نقشه‌ی عالی خود را برای نجات گناهکاران آغاز کرد. اکنون بیائید به ادامه، کتاب آفرینش از تورات پردازیم تا به این خبرخوش پی ببریم. در باب ۳، آیه ۱۵ خواندیم؛ خدا به شیطان که در شکل مار ظاهر شده بود گفت: «عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم، او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه‌ی وی را خواهی کوبید.»

این آیه دشوار، شامل حقایقی بسیار مهم و عمیق است که انبیاء خدا بعداً جزئیات آن را به تفصیل توضیح داده‌اند. مضمون این آیه را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: خدا آرام آرام نقشه‌ی خود را برای فرستادن نجات‌دهنده به این دنیا آشکار می‌کرد، نجات‌دهنده‌ای که فرزندان آدم را از سلطه‌ی شیطان آزاد می‌کرد. این اولین آیه‌ای است که به آمدن نجات‌دهنده مقدس اشاره می‌کند. بیائید در این آیه چهار حقیقت مهم را در مورد نجات دهنده بررسی کنیم، نجات‌دهنده‌ای که خدا وعده داد به این دنیا می‌آید:

۱) اولین حقیقت این است که: خدا اعلان می‌کند نجات‌دهنده فقط از یک زن، یعنی یک باکره متولد می‌شود. والدین همه ما مذکر و مؤنث هستند. اما، نجات‌دهنده‌ای که می‌آمد تنها از یک زن و به قدرت خدا متولد می‌شد. او پدر زمینی نداشت. ناجی جهان نمی‌توانست از نسل آدم باش زیرا تمام فرزندان آدم بواسطه‌ی گناه منحرف شده بودند. نجات‌دهنده گناهکاران باید عاری از گناه می‌بود. او باید از نزد خدا و از آسمانها می‌آمد. بنابراین، اولین

نکته‌ای که باید از این آیه بیاموزیم این است که: خدا وعده داد نجات دهند قدوس از یک زن به دنیا خواهد آمد و نه مرد.

۲) در روزی که آدم و حوا مرتکب گناه شدند، خدا به نکته دیگری نیز اشاره کرد. در رابطه با نجات دهنده موعود، خدا به شیطان گفت: «تو پاشنه وی را خواهی کوبید». بنابراین خدا اعلام می‌کند که، شیطان نجات‌دهنده‌ای را که خدا از آسمان به زمین می‌فرستاد شکنجه می‌کند. در درسهای آینده، خواهیم دید که انبیاء پیشگویی می‌کنند که شیطان انسانها را تحریک می‌کند تا نجات‌دهنده را شکنجه کردن و در نهایت بکشند. نجات‌دهنده مضروب قسمتی از نقشه خدا بود. نجات‌دهنده دنیا می‌بایست برای بازگرداندن ما به سوی خدا، بعنوان قربانی برای گناه جان خود را می‌داد، و بدین ترتیب شخصی پاک و عادل برای ما، خطاکاران جان خود را داد. او به میل خود، زندگی خود را در جهت پرداخت کفاره گناه داد: یعنی مرگ.

۳) سومین حقیقت درباره نجات دهنده این بود که خدا به شیطان که در شکل مار ظاهر شده بود گفت: «نجات دهنده سراو (شیطان) را خواهد کوبید». و این خبر بدی برای شیطان و خبر خوبی برای تمام کسانی بود که می‌خواستند از قدرت شیطان، گناه و جهنم رهایی یابند! بنابراین خدا اعلام کرد که سرانجام، نجات‌دهنده، شیطان را شکست خواهد داد و فرزندان آدم را که اسیر گناه بودند آزاد خواهد کرد.

۴) سرانجام، خدا اعلام کرد دو گروه انسان در جهان وجود دارد، گروهی که متعلق به شیطان هستند و گروهی متعلق به خدا هستند. گروهی که متعلق به شیطان هستند از ایمان به کلام خدا امتناع می‌کنند و گروهی که متعلق به خدا هستند، به کلام خدا ایمان دارند و به نجات دهنده موعود توکل می‌کنند. (یوحنا ۱: ۹ و ۱۳)

بنابراین، روزی که آدم و حوا مرتکب گناه شدند، خدا، نقشه عالی خود را برای نجات گناهکاران اعلام کرد. در برنامه‌های آینده به تدریج، خواهیم دید که همه انبیاء خدا، از آمدن نجات دهنده قدوسی خبر می‌دهند که گناهکاران را از دست شیطان آزاد خواهد رها کند. اگر مطالبی را که هم‌اکنون بیان کردیم فهمش برای شما صقیل و دشوار است، نگران نباشید زیرا هر چه که بیشتر پیش می‌رویم و درسها را ادامه می‌دهیم، همه چیز شفاف‌تر خواهد شد. این ضرب‌المثل را به خاطر داشته باشید که: «جوینده، یابنده است.» آیا شما جوینده کلام خدا هستید؟ عالی! خدا می‌گوید: «اگر آن را مثل نقره می‌طلبیدی و مانند خزانه‌های مخفی جستجو می‌کردی، آنگاه ترس خداوند را می‌فهمیدی، و معرفت خدا را حاصل می‌ نمودی.» (امثال ۲: ۴ و ۵)

بیابید، سومین باب از کتاب پیدایش از تورات را تا انتها بخوانیم. کتاب مقدس می‌گوید:

«و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید. و خداوند خدا گفت: "همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند." پس خداوند خدا، او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن

گرفته شده بود بکنند پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن، کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتشباری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند.» (پیدایش ۳: ۲۱ و ۲۴)

در اینجا باب سه به پایان می‌رسد. قبل پایان این جلسه، بیائید حقایق مهم این آیه را بررسی کنیم. کتاب مقدس می‌گوید: «و خداوند خدا رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید.» آیا به خاطر دارید که آدم و حوا بعد از خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد چه کردند؟ آنها برگهای انجیر را به هم دوخته و دور کمرهایشان پیچیدند و سعی کردند شرمندگی خود را از خدا پنهان کنند. آیا خدا، لباسهایی را که آنها از برگها برای خود ساخته بودند پذیرفت؟ خیر، او نپذیرفت. چرا خدا لباسهایی را که آنها برای خود ساخته بودند، نپذیرفت؟ زیرا خدا می‌خواست به آدم و حوا یاد بدهد که خدا کامل است و نمی‌تواند کار ناقص انسان را بپذیرد. کتاب مقدس درباره این موضوع می‌گوید: «جمیع ما مثل شخص نجس شده‌ایم و همه اعمال عادلۀ ما مانند لثۀ ملوث می‌باشد.» (اشعیا ۶۴: ۶) هیچ چیزی وجود ندارد که انسان بتواند بواسطۀ آن گناهانش را در حضور خدا مخفی کند.

با این وجود، خدا کار دیگری برای انسان انجام داد. خدا برخی از حیوانات را کشت، پوست آنها را کند و از پوست آنها برای آدم و حوا لباس درست کرد. بله، خدا اولین قربانی حیوان را انجام. آدم و حوا با دیدن خون جاری شده از حیوانی که خدا کشته بود، با صحنۀ تکان دهنده‌ای روبرو شدند! خدا می‌خواست به واسطۀ ریختن خون حیوانات به آدم و حوا بیاموزد که «مزد گناه موت است.» (رومیان ۶: ۲۳) و «بدون ریختن خون، آمرزش نیست.» (عبرانیان ۹: ۲۲) امروز نمی‌توانیم این موضوع را به تفصیل شرح دهیم. فقط می‌توانیم بگوئیم که قانون اولیه آمرزش خدا می‌گوید: «بدون ریختن خون، آمرزش نیست.» جریمۀ گناه باید پرداخته شود. و جریمه گناه موت است. خدا تنها گناہانی را می‌بخشد که تاوان آن پرداخت شده باشد و باید یک قربانی پاک و بی‌گناه به جای شخص گناهکار بمیرد. و این تنها راهی است که خدا می‌تواند بدون اینکه عدالت خود را نادیده بگیرد، گناہان انسان را ببخشد.

پس خدا قربانی حیوانات را قرار داد تا به گناهکاران یادآوری کند که مزد گناه، موت است. قربانی کردن یک حیوان نشانی است از نجات‌دهندۀ قدوسی که به جهان آمد و خودش بعنوان تاوان گناه ریخته شد. در آینده، مطالب بیشتری در این مورد خواهیم آموخت. اما، امروز، بیائید به خاطر داشته باشیم که خدا برای پوشاندن شرمساری آدم و حوا، خون حیوانات را ریخت.

بعد از آن، خدا، آدم و حوا را از باغ بهشت در عدن بیرون کرد، او «فرشته‌ای با شمشیر آتشی که به هر طرف می‌چرخید برای محافظت از راه درخت حیات قرار داد.» آدم و حوا با خوردن میوه‌ای که خدا آن را منع کرده بود راه موت را انتخاب کردند. در نتیجه، آنها نتوانستند مدت زیادی از نعمتهای عالی باغ فردوس لذت ببرند. قبلاً دیدیم که چگونه خدا زهره، یا شیطان را، به خاطر گناہانش از حضور خود بیرون کرد. و اکنون دیدیم که خدا نیز آدم و حوا را به خاطر گناہانشان بیرون کرد. خداوند قدوس است و باید هر آنچه را که ناپاک است مجازات کند.

دوستان عزیز، بیائید راجع به دو نکته فکر کنیم و آن را به خاطر سپاریم: **اولاً:** خدا عادل است و نمی‌تواند گناه را تحمل کند و به همین دلیل خدا، آدم و حوا را داوری کرد و آنها را از باغ بیرون کرد. **ثانیاً:** خدا، بخشنده است. آدم و حوا سزاوار بخشش خدا نبودند بلکه مستحق داوری بودند، با این وجود، خدا نمی‌خواهد که انسانها هلاک شوند و به همین دلیل خدا، وعده نجات دهنده‌ای را داد که قادر بود گنهکاران را از اسارت پادشاهی شیطان برهاند و آنها را به نور و جلال پادشاهی خدا منتقل کند.

اشتباه نکنید: بخشش خدا هرگز عدالت او را نقص نمی‌کند. این دو ویژگی خدا با یکدیگر عمل می‌کنند. در درسهای آینده بطور شفاف خواهیم دید که چطور خدا گنهکاران را می‌بخشد، بدون اینکه این بخشش با عدالت او تناقضی داشته باشد.

شنوندگان عزیز این بود برنامه امروز طریق عدالت. با شما در مورد وعده عالی خدا صحبت کردیم، وعده‌ای که خدا در همان روزی که آدم و حوا منحرف شدند به آنها داد. امیدواریم آنچه را که در این برنامه شنیدید به خاطر بسپارید تا وعده عالی خدا را در مورد نجات دهنده‌ای که او فرستاده تا شما را از گناهانتان نجات دهد به طور کامل درک کنید.

از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگذاریم. از شما دعوت می‌کنیم تا در برنامه آینده ما را همراهی کنید، تا حقایق مهمی در مورد اولین پسران آدم و حوا، قائن و هابیل با شما در میان بگذاریم. خدا به شما برکت دهد، در مورد آنچه کتاب مقدس اعلام می‌کند به دقت فکر کنید، کلام می‌گوید:

«جایی که گناه زیاده گشت، فیض (خدا) بی‌نهایت افزون گردید.» (رومیان ۲۰:۵)